

سیر مقایسه‌ای حقوق کارگران و افزایش قیمت‌ها

کش و قوس یک دهه‌ای دستمزد و تورم

کارشناسان اقتصادی حوزه کسب‌وکار در ارتباط با اینکه افزایش دستمزد سالیانه کارگران باید متأثر از میزان تورم باشد، نظرات متفاوتی دارند. برخی افزایش دستمزد کارگران بدون توجه به نرخ تورم را عامل ایجاد و یا تشدید فشارهای معیشتی به نیروی کار می‌دانند و بعضی دیگر، بی‌توجهی به اثرگذاری متقابل نرخ تورم و مزد بر یکدیگر و الزام کنترل تورم در راستای محدود کردن تأثیر آن بر دستمزد را مهم می‌پندارند.

گزارش

احسان احمدی

روزنامه‌نگار

موضوع تعیین دستمزد نیروی کار از جمله مواردی است که به صورت کاملاً مشخص و با استفاده از راهکارهای اجرایی و عملیاتی در قانون کار مورد اشاره قرار گرفته است. در ماده (۴۱) این قانون، به‌طور صریح الزام اثرگذاری مؤلفه‌های نرخ تورم و سبد معیشت خانوار کارگری، مبنای اصلی تعیین مزد نیروی کار محسوب شده است. شورای عالی کار متشکل از نمایندگان دولت، کارفرما و کارگر در قالب سه‌جانبه‌گرایی نیز وظیفه مراجعه به مصوبات قانونی در این حوزه و مشخص کردن مزد نیروی کار با استناد به شاخص‌های مذکور را بر عهده دارند. اما مقایسه داده‌های مزد کارگری و نرخ تورم رسمی اعلامی در طول سال‌های گذشته، نبود توازن و تناسب رشد این دو مؤلفه را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد.

شرایط غیر تورمی

نمایندگان جامعه کارگری بر اثرپذیری مستقیم دستمزد و قدرت خرید نیروی کار از شرایط تورمی تأکید دارند. آنها بهبود وضعیت معیشتی و تقویت قدرت خرید نیروی کار را منوط به کنترل وضعیت تورمی و رشد دیگر شاخص‌های مؤثر در این حوزه می‌دانند. هادی ساداتی، نایب‌رییس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور در گفت‌وگو با آتیه‌نو با تأکید بر الزام رشد دستمزددها در وضعیت صعودی نرخ تورم گفت: «در صورت رشد مداوم قیمت کالا و خدمات به دنبال افزایش نوسانات تورمی، رشد دستمزد پاسخگوی تأمین نیاز خانوار کارگری و جبران عقب‌افتادگی‌های مزدی نخواهد بود.»

این فعال و کارشناس حوزه کار با اشاره به الزام استفاده از تمام ابزارهای حمایتی لازم برای ارتقای سطح معیشت جامعه کار و تولید توسط نهاد دولت، افزود: «افزایش سالیانه مزد بدون توجه به وضعیت اقتصادی جامعه،

چندان تأثیرگذار نخواهد بود.» او با تأیید وجود ارتباط و تأثیرپذیری مؤثر و سه‌جانبه نرخ تورم، سبد معیشت و تعیین دستمزد سالیانه کارگران بر یکدیگر، استمرار رصد شاخص‌های قانونی تعیین مزد را مهم دانست و اضافه کرد: «با استناد به بندهای «۱» و «۲» ماده (۴۱) قانون کار، سبد معیشت و نرخ تورم باید در تصمیمات مزدی شورای عالی کار اثرگذار باشند.»

کمترین‌ها و بیشترین‌ها

بر اساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره روند افزایش مزد نیروی کار و مقایسه آن با نرخ شاخص تورم، کمترین و بیشترین رشد دستمزد کارگران در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ با ترتیب ۱۴ و ۷۵/۴ درصد را نشان می‌دهد. با توجه به این داده‌ها، کمترین رشد دستمزد مشمولان قانون کار در سال ۱۳۹۵ و بیشترین آن در سال جاری ثبت شده، در



حالی که از سوی مرکز آمار ایران، شاخص تورم در سال‌های مذکور به ترتیب ۶.۹ و ۳۹.۲ درصد اعلام شده است. این در شرایطی است که کمترین نرخ تورم با ۶.۹ درصد مربوط به سال ۱۳۹۵ و بیشترین میزان این شاخص با ۴۰.۲ درصد در سال ۱۴۰۰ به ثبت رسیده که البته افزایش دستمزد بیش از تورم، مشخصه سال‌های مذکور است.

رشد دستمزد

مطابق آمار مقایسه‌ای تورم و دستمزد در طول سال‌های دهه گذشته، میزان افزایش مزد نیروی کار در هفت سال، بیشتر از شاخص تورم تعیین شده است. بیشترین میزان اختلاف رشد دستمزد نسبت به تورم نیز با رقم ۱۸.۲ درصد در سال جاری رقم خورد. در نقطه مقابل نیز بیشترین فاصله افزایش مزد و تورم در سال ۱۳۹۱ اتفاق افتاد؛ به‌گونه‌ای که با وجود تورم ۲۹.۵ درصدی در این سال، افزایش ۱۸ درصدی دستمزد نیروی کار را شاهد بودیم

اتمام بازی مزد و تورم در صورت تعادل خط فقر و دستمزد

رشد قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید نیروی کار

کم‌اثر شدن افزایش دستمزد، کاهش قدرت خرید نیروی کار، ناتوانی جامعه کارگری در تأمین معیشت خانوار، تحمیل تورم اضافی ناشی از رشد مزد، بیشتر شدن فاصله خط فقر و میزان دریافتی نیروی کار، بخشی از تأثیرات شرایط تورمی بر افزایش دستمزد کارگران است. کارشناسان اقتصاد و کسب‌وکار، افزایش مزد نیروی کار با استناد به نرخ تورم را به دلیل اثرات نامطلوب، رویه‌ای برخلاف منافع شرکای اجتماعی این حوزه می‌دانند. جامعه کارگری نیز با تأکید به تأثیرات تورمی بر هزینه‌های زندگی، دستمزد در بافتی را برای ادامه تأمین

گفت‌وگو

عضو هیأت‌مدیره کانون‌های شوراهای اسلامی کار گفت: «فاصله زمانی عقب‌افتادگی دستمزد از نرخ تورم مربوط به سال‌های دهه شصت است، زیرا در آن بازه زمانی با وجود تورم، درباره رشد حقوق و مزایای نیروی کار تصمیمی گرفته نشد. در صورت افزایش دستمزد کارگران با توجه به ماده (۴۱) قانون کار، این فاصله مزدی با خط فقر ایجاد نمی‌شد.» علی‌اصلاحی افزود: «با توجه به کم‌توجهی برخی دولت‌های قبل به جبران عقب‌افتادگی مزدی ناشی از انباشت در دهه‌های گذشته، افزایش فاصله بین خط فقر و تورم اتفاق افتاد. با این اوصاف، امروز اما مسئله افزایش مزد نسبت به تورم مطرح نیست، بلکه توان تأمین سبد هزینه‌ای خانواده برای زندگی شرافتمندانه خواسته جامعه کارگری است. یکی از دلایل قانونگذاران برای افزایش حقوق به نسبت تورم، تأکید قانون کار به لحاظ کردن معیشت و نرخ تورم در حوزه دستمزد است. در صورت افزایش دستمزد کارگری به اندازه تورم اعلامی بانک مرکزی، اکنون حداقل مزد این قشر حدود ۹ میلیون تومان است.» این عضو شورای عالی کار اضافه کرد: «با زیاد شدن فاصله مزد و شاخص تورمی، اکنون اعداد مختلف ۱۴ تا ۱۸ میلیون تومان برای خط فقر مطرح می‌شود. از طرفی با نامناسب شدن وضعیت مسکن، کارفرمایان با این استدلال که تأمین این هزینه به‌عهده دولت است، مسئله حذف حق مسکن سبد هزینه خانوار کارگری را دنبال می‌کنند، اما طبق قانون کار مسکن از نیازهای ضروری کارگران محسوب می‌شود.»

لزوم مذاکرات دستمزد

علی‌اصلاحی با تأکید بر تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر

اما آنچه مشخص است، این است که کاهش قدرت خرید نیروی کار به دنبال اثرپذیری مزد از تورم و نبود توان رقابت دستمزد در مقابل روند افزایشی قیمت کالا و خدمات، امری بدیهی و غیرقابل انکار است. نگاه به سیر مقایسه‌ای رشد نرخ تورم و میزان حداقل دستمزد نیروی کار در بیش از یک دهه گذشته، تصویری از وضعیت رقابتی مزد، تورم و قیمت کالا و خدمات را در اختیار قرار می‌دهد.

که اختلاف ۱۱.۵ درصدی را به دنبال داشت. رشد مزد جامعه کارگری بیشتر از نرخ شاخص تورم در قالب یکی از قیاس‌های اثرگذار در ارتقای قدرت خرید نیروی کار، در یک دهه اخیر اغلب اتفاق افتاده که این روند جبران بخشی از وضعیت نامناسب اقتصادی نیروی کار مولد و نزدیک شدن به دستمزد واقعی را به دنبال داشته است.

سهام دستمزد

سهام دستمزد نیروی کار در هزینه‌های تولید، یکی از موضوعات اختلاف‌نظر بین کارفرمایان و کارگران است. به اعتقاد فعالان و کارشناسان حوزه کارفرمایی، این سهم در کنار دیگر هزینه‌های تولید و تورم، چرخه خروجی محصول را دچار اختلال می‌کند. اصغر آهنی‌ها، نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار پیش از این در گفت‌وگو با آتیه‌نو با تأکید بر نقش مؤثر نیروی کار در چرخه تولید و ضرورت بررسی تخصصی میزان اثرگذاری نرخ تورم بر حوزه دستمزد جامعه کارگری تأکید کرده است. این کارشناس حوزه کارفرمایی با تأکید بر تأثیر افزایش دستمزد بر سایر عوامل تولید، می‌گوید: «در صورت عدم کنترل نرخ تورم، افزایش دستمزد تبخیر شده و دیگر بر ارتقای قدرت خرید کارگران مؤثر نیست.»

شاخص‌های مؤثر

با وجود اینکه حفظ یا کنترل نرخ تورم، نقطه اشتراک جامعه کارگری و کارفرمایی است، اما اختلاف‌نظر در سهم واقعی دستمزد نیروی کار در هزینه تمام شده تولید و ضرورت افزایش مزد کارگران متناسب با نرخ شاخص تورم رسمی همچنان بین این دو گروه پابرجاست. البته خروجی دستمزدی سال‌های گذشته شورای عالی کار و افزایش دستمزد بیش از تورم در اکثر این سال‌ها نشان از نقش اثرگذار سه‌جانبه‌گرایی در تصمیمات مزدی این شورا دارد. افزایش کمتر یا بیشتر دستمزد از میانگین تورم سالیانه اما نکته‌ای است که در کنار مدیریت کلان دیگر شاخص‌های مؤثر در حوزه دستمزد اثرات خود را نشان خواهد داد.

معادله دستمزد

اصلاحی، عضو شورای عالی کار معتقد است: «مدامی که فاصله خط فقر و مزد جامعه کارگری به تعادل نرسد بازی دستمزد و تورم ادامه خواهد داشت، زیرا این مسئله یک معادله است. تا وقتی که دوسوم خط فقر ۱۸ میلیون تومانی به‌عنوان حقوق به کارگر پرداخت می‌شود، امکان تأمین زندگی جامعه کارگری با سختی مواجه می‌شود. حقوق کارگران یک‌بار در سال افزایش دارد، اما با تورم سال جاری نسبت به افزایش دستمزد سال آتی اقدام می‌شود، این در حالی است که افزایش قیمت کالا و خدمات در دفعات مختلف صورت می‌گیرد و این دو موضوع با هم همخوانی ندارد. تنها با همگن شدن خط فقر و تورم و تأمین حدود ۷۰ درصد هزینه‌های زندگی توسط کارگران، چالش‌های حوزه مزد به مرور برطرف می‌شوند.»

یادداشت



اولویت‌های تسهیل‌گری در حوزه کار آفرینی

ناصر چمنی

کارشناس حوزه کار

در بررسی شرایط اقتصادی دهه گذشته، ردپای نهاد دولت و سیاست‌های مرتبط با اقتصاد کلان، تولید و اشتغال، در ناآرامی در امر کارآفرینی و برنامه‌های خلق اشتغال دیده می‌شود. بخشی از این روند اشتباه به نبود تسهیلگری در ایجاد و توسعه کسب‌وکار و رشد کارآفرینی و اشتغال بازمی‌گردد که حتی صدور مجوزهای لازم در حوزه‌های مربوط به اشتغال‌زایی و تولید را نیز شامل می‌شود.

نکته دیگر در حوزه چالش‌های کارآفرینی و رشد خلق فرصت‌های شغلی به تسهیلات این بخش مربوط است. در واقع با وام‌های بالای ۱۸ درصد امکان تسهیل شرایط برای توسعه اقدامات کارآفرینان وجود ندارد و چرخه تولید و کارآفرینی نیازمند حمایت‌های تسهیلاتی ارزان است. با توجه به وابستگی و تأثیرپذیری متقابل رشد اقتصادی، کارآفرینی و گسترش اشتغال از یکدیگر، درک این مهم و هدفگذاری در توسعه کارآمدی این تعامل باید در دستور کار دولت‌ها باشد. اختصاص وام‌های کم‌بهره به سرمایه‌گذاران و کارآفرینان در راستای توسعه کسب‌وکارها از الزامات حمایتی دولت‌ها نسبت به اقشار فعال در این حوزه به شمار می‌آید.

البته نظارت‌های میدانی مربوط به ارائه تسهیلات و رصد اثرگذاری این روند نیز در اعمال سیاست‌های کم‌کمرسان به حوزه کارآفرینی مؤثر است. همچنین شناسایی کارآفرینان واقعی و البته حمایت از این قشر در راستای توسعه اشتغال از وظایف دولت‌ها شناخته می‌شود که در دهه اخیر کمتر مورد توجه بوده و با عمل به خلاف این روند، کارآفرینی شکل نمی‌گیرد. در این میان، ثبات اقتصادی به عنوان مهم‌ترین بستر ایجاد و گسترش فعالیت‌های کارآفرینی و همچنین اساسی‌ترین مورد انگیزشی برای جذب کارآفرینان به شمار می‌رود و در صورت بروز نوسانات و عدم پایداری در حوزه اقتصاد، احتمال جذب و حضور کارآفرینان در عرصه‌های تولید و اشتغال کاهش می‌یابد. این مسئله به عنوان امنیت سرمایه‌گذاری و کارآفرینی مطرح می‌شود.

در واقع عوامل اشاره شده مؤثر در ایجاد و توسعه کارآفرینی به صورت زنجیروار، بستر شکل‌گیری و رشد سیاست‌های مؤثر و خروجی کارکرد آنها را تشکیل می‌دهند. البته گفتنی است سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی را در توسعه کارآفرینی نباید نادیده گرفت و بهره‌مندی از ظرفیت این بخش‌ها امکان کارآفرینی خلاق و رشد شاخص‌های این حوزه را فراهم خواهد ساخت؛ اما نبود یا اختلال در هر یک از دلایل زمینه‌ساز کارآفرینی از جمله حمایت‌های کلان دولت در بخش‌های تسهیلاتی و قوانین، پایداری اقتصادی و همچنین حذف مقررات غیرکارآمد نیز عامل عدم توفیق در این حوزه خواهد بود.

اما تنها نهادی که باید و می‌تواند زمینه استمرار حضور و فعالیت اثربخش کارآفرینان را در بسترهای اقتصادی و تولیدی مهیا کند، دولت است و خروجی سیاست‌های کارآفرینی در واقع به‌طور مستقیم به عملکرد نهاد دولت و دستگاه‌های مربوطه در این حوزه مربوط می‌شود. در این شرایط است که دولت‌ها باید با ایجاد بسترهای کارآفرینی، تسریع رشد اقتصادی را موجب شده که به دنبال آن، توسعه اقتصادی بر پایه رونق تولید و افزایش سهم اشتغال از اقتصاد شکل می‌گیرد. امنیت کارآفرینی و سرمایه‌گذاری، حمایت‌های کلان تسهیل‌گر و در نهایت، ساده‌سازی دسترسی به مجوزهای لازم و حذف یا کاهش فرایندهای غیرمؤثر در حوزه کارآفرینی را می‌توان سه مورد دارای اولویت در این حوزه به شمار آورد.